



زندگی بدون اخلاق زندگی نیست/چه کنیم که فکر گناه به سراغمان نیاید!

آیت الله قرهی گفت: زندگی بدون اخلاق زندگی نیست چیزی به نام زندگی است یک زندگی حیوانی عادت کرده خورد و خوراک و نشست و برخاست و ازدواج و تکثیر نسل است. معالأسفا که هدف شده است.

آیت الله قرهی گفت: زندگی بدون اخلاق زندگی نیست چیزی به نام زندگی است یک زندگی حیوانی عادت کرده خورد و خوراک و نشست و برخاست و ازدواج و تکثیر نسل است. معالأسفا که هدف شده است.

به گزارش خبرگزاری مهر، سیصد و چهل و دومین جلسه درس اخلاق آیت الله قرهی که در محل مهدیه القائم المنتظر(عج) برگزار شده در پی می آید؛

گواراترین زندگی

خدا را ششاکریم که توفیق مرحمت فرمود تا در این سال جدید، مجدداً دور هم بر سر خوان کرم اخلاق جمع شدیم ومباحث اخلاق را داشته باشیم که بندهی نوار از آیات الهی، فرمایشات حضرات معصومینو همچنین اعظم و بزرگانمان بیان می‌کنم، امیدوارم که این شاءالله ارتزاق حقیقی رداشته باشیم.

زندگی بدون اخلاق اصلاً زندگی نیست، شاید چیزی به نام زندگی باشد، اما زندگی نیست. یک زندگی حیوانی عادت کردهی خورد و خوراک و نشست و برخاست و ازدواج و تکثیر نسل و ...، اما معالأسفبی هدف است.

لذا می‌خواهم مقدماً بحثمرا از این‌جا شروع کنم و بحث خطورات را که در سال گذشته داشتیم، در ادامه آن بیانکنم. وجود مقدس حضرت صادق القول و الفعل، امام جعفر صادق (ع)، فرمودند: «لَا عَيشَ أَهْنًا مِنْ حُسْنِ الْخُلُقِ». هیچ زندگی گواراتر (أهناً) از باب افعال التفضیل و به معنی گواراترین می‌باشد) از این نیست که انسان از رفتار و اخلاق پسندیده برخوردار باشد.

پس گوارا شدن زندگی بهواسطه همین حُسن خلق است، همان که پیامبر (صلي الله عليه و آله وسلم) فرمودند: «إِثْمَابُعِثْتُ لَا تَمِيمَ مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ»، یا این که فرمودند: «إِثْمَا بُعِثْتُ لِاتِّمِيمِ حُسْنِ الْأَخْلَاقِ». اصل، همین است و مابقی، همه، می‌تواند در محور این بچرخد. اگر در حوالاخلاق حسنه بود، این زندگی، زندگی است و إلا صورت ظاهر، زندگی است، اما همان‌گونه‌است که حیوانات، نباتات و ... زندگی می‌کنند. البته گاهی زندگی حیوانات و نباتاتنفع‌هایی دارد، مثلاً حیوانی مانند گوسفند و میش و ... زندگی‌شان نفع دارد، حتیزندگی سگ هم نفع دارد، اما وای بر انسانی که زندگی‌اش براساس اخلاق الهی نباشد، نفع که ندارد هیچ، بلکه ضرر دارد.

علی ای حال تعبیر اولیاء الهی این است که یک فرد بی اخلاق، مانند حیوان می‌شود «كَالْأَنْعَامِ» که تازه این، اول قضیه است و بعد می‌فرماید: «بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا».

اصل در سبک زندگی

لذا عزیزان، اخلاق را ازاین اول سال جدی بگیریم. امسال با خودمان عهد ببندیم و از خداوند توفیقش رابخواهیم که متخلق به اخلاق الهی شویم. خدا گواه است توفیق می‌خواهد. ای بسا مثلمن بیچاره فقط قائل باشم و از عمل، خبری نباشد. این توفیق، یک گنج بزرگ است. پس توفیقآن را بخواهیم و بخواهیم که خدا ما را از همین اول سال، متخلق قرار بدهد کهاتفاقاً زندگی حقیقی، این است، حضرتشان می‌فرمایند: «لَا عَيشَ أَهْنًا مِنْ حُسْنِ الْخُلُقِ». هیچ زندگی، گواراتر از آن زندگی نیست که توأم با حُسنخلق و اخلاق و رفتار پسندیده باشد - همان‌طور که آب می‌نوشید، به شما می‌گویند: «هَنِيئًا لَكُمْ»، در این‌جا هم واژه «أَهْنًا» به کار رفته، یعنی گواراترین -

اتفاقاً سبک زندگی که همامام‌المسلمین (ادام الله ظله علی رؤوس المسلمین) بارها بیان فرمودند و هم اولیاء الهی بر روی آن تأکید دارند، به وجودنمی‌آید، إلا به همین حُسن خلق. آن‌های دیگر، فروعات سبک زندگی می‌شود.

خدا گواه است، به این خانه امام زمان، وقتی خودم این روایت را یادداشت برداری می‌کردم و آنچه اولیاء بیان فرمودند در ذهنم مرور می‌کردم، از خودم بدم می‌آمد، اگر این است، ما که هستیم؟! ولی بخواهیم و برای هم دعا کنیم. ماه رجب المرجب نزدیک

است، در حقّ همدیگر زیاد دعا کنیم که اجابت می‌شود. دعا کنیم که موفق شویم و گرفتار نشویم، در جا نزنیم. اگر بخواهیم سبک زندگی حقیقی را بدانیم، همین اخلاق است و لا غیر. رئیس مذهب دارنداین را بیان می‌فرمایند. هر چه در این روایت شریفه تأمل کنیم و توقف و تفکر کنیم، بینی و بین الله، کم است. آن وقت انسان می‌فهمد که چقدر عقب است، چقدر دور افتاده و چقدر باخته است.

لذا فرمودند: هنی‌ترین زندگی، زندگی توأم با حُسن خلق است. البته به نظر می‌آید یکی از موارد آن هم صلاة لیل باشد، چون آن‌ها که صلاة لیل را دارند، یک دلیل و برهانش، همین حُسن خلق و متخلّق بودنشان به اخلاق الهی است.

استغفار اولیاء خدا از نماز شبشان!

لذا خیلی مواقع اولیاء واعاظم و بزرگان که متصل و اهل معنا و بالجد واصل بودند، فرمودند: گاهی حتّی شب، توفیق قیام و حتّی نماز خواندن را داشتیم، امّا حال صلاة لیل را نداشتیم. می‌گویند: ظاهر صلاة لیل را داشتیم و حال آن را نداشتیم. یعنی گاهی حتّی نماز شب هم خواندیم، امّا آنچه را که اولیاء خدا در نماز شب به دنبال آن هستند، نیافتند. یعنی آن عشق‌بازی پروردگار عالم، آن خلوت و انسی که با ذوالجلال و الاکرام در آن زمان که همه خواب هستند و این مردان خدا بیدار هستند، به وجود می‌آید، نبوده است. لذا می‌فرمایند: فقط قال بوده و حال در آن نبوده است. لذا از صلاة لیلشان استغفار کردند. یعنی حتّی توفیق خواندن آن را پیدا کردند، امّا گفتند: ما حال نداشتیم و آن صلاة لیل، برای ما صلاة لیل حقیقی نبوده است.

بعد خودشان بیان فرمودند: یک دلیلش هم این است: وقتی لطف خدا شامل حالمان شده و دیروزمان را بررسی کردیم، دیدیم در جایی بداخلاقی کردیم و این توفیق نماز شب اولیاء را نداشتیم و فقط ظاهرش، ظاهر نماز شب بوده است.

چون می‌دانید اوج عشق‌بازی اولیاء خدا، همین شب‌خیزی است که برای امثال ما سنگین می‌شود. این‌ها که به زبانه ساده می‌گویم، همه، روایات است که به فضل الهی خود روایات را برایتان بیان می‌کنم. گاهی اتفاقاً قیام نکردن در دل شب، خودش گناه است و اولیاء خدا لذتی که می‌برند از آن شب‌خیزی و عشق‌بازی و خلوت با پروردگار عالم است. کدام خلوتی عندالاولیاء برتر از این خلوت؟! خلوت با همسر و فرزند و رفیق نیست، خلوت با پروردگار عالم! همان چه که اولیاء خدا فهمیدند، درک کردند و به آن رسیدند و با پوست و گوشت و استخوان خود لمس کردند. ما یک حرفی می‌زنیم، امّا گفت: شنیدن کی بود مانند دیدن؟! آن‌ها دیدند، آن‌ها رسیدند، آن‌ها با وجود خودشان لمس کردند. امثال من بیچاره فقط حرف‌ها را می‌زنیم، امّا آن‌ها رسیدند.

بالاترین عیش که ملائکه الهی می‌گویند: «هنیئاً لکم»، باز آن صلاة لیل حالیه است. آن صلاة لیل حالیه هم برای انسان میسور نمی‌گردد، إلا به حُسن‌خلق. اگر در این مطلب، تأمل کنیم، دریچه‌ای از زندگی برای ما باز می‌شود که می‌فهمیم آن، زندگی است. اولیاء خدا می‌فرمایند: حضرت خواستند بگویند: من می‌خواهم بابی را برای شما باز کنم که بدانید اگر از این باب ورود پیدا کردید، معنی زندگی را می‌فهمید و بعد از آن، متوجّه می‌شوید که تا حالا زندگی نکردید و آن، حُسن خلق است.

رمز اوّلیه خلیفه الله شدن

لذا خیلی جالب است، امیرالمؤمنین، امیر بیان، اسدالله الغالب، علی‌بن‌ابی‌طالب (صلوات‌الله و سلامه علیه) جمله‌ای دارند که بسیار عالی است. چه‌بگویم؟! اگر بگویم با طلا و آب طلا باید آن را بنویسیم که بارها بیان کردم: این‌ها فلز است و بشر برای آن ارزش قائل شده و ... لذا اصلاً نمی‌شود با این تعبیر ارزش این جملات را بیان کرد. البته گاهی از باب نشان دادن اهمیّت مطلب بیان شده که باید این را با آب طلا نوشت و ... امّا آن‌ها مطالب مادی است، مگر می‌شود مطالب معنوی را با مطالب مادی قیاس کرد؟! تمام دنیا را هم بدهیم، با این مطلب معنوی که مولی‌الموالی (ع) می‌فرمایند، اصلاً قابل قیاس نیست.

جوانان عزیز! شما که در آغاز راه هستید، دقت کنید، ببینید زندگی باید چگونه باشد. حضرت می‌فرمایند: «مَنْ حَسُنَتْ خَلِيقُهُ طَابَتْ عِيشَتُهُ» هر کس اخلاقش را اخلاق نیکو و حسنه قرار بدهد و خوش اخلاق باشد، زندگی‌اش هم پاک خواهد شد.

اتفاقاً بدانید آن‌ها که حُسن خلق دارند، اوّلین چیزی را که عامل می‌شود انسان خلیفه الله شود، یافته‌اند. یعنی تا انسان حُسن خلق نداشته باشد، خلیفه الله نمی‌شود. تمام انبیاء عظام، تمام اصفیاء و اولیاء و در رأس آن‌ها حضرات معصومین (ع)، دارای حُسن خلق بودند و اگر کسی دارای حُسن‌خلق نشود، خلیفه الله نمی‌شود. رمز اوّلیه خلیفه الله شدن، حُسن خلق است. این رابه عنوان کد ویژه به ذهن خود بسپارید.

لذا اگر کسی می‌خواهد به مقام خلیفه اللهی برسد، باید بداند تمام انبیاء و اصفیاء و اولیاء و در رأس همه آن‌ها، حضرات معصومین دارای حُسن خلق بودند و کد اصلی و رمز مهم این است. اگر انسان، این‌طور شد، به این مقام می‌رسد و می‌تواند

خلیفه الله شود. امید هست که به آن مقام خلافت الهی برسد. اما اگر این طور نشد، اگر بخواهد کارهای دیگری را همانجام دهد که به ظاهر خلیفه الله شود، بدانید نمی شود. یعنی اصلاً توفیق رسیدن به مقام خلیفه الهی پیدا نمی کند.

لذا پروردگار عالم، به ملائکه فرمود: «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً»، ملائکه هم وقتی می خواهند به تعبیر عامیانه - که حقیقی نیست - با خداوند محاجّه کنند، می گویند: «أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُقْسِدُ فِيهَا وَ يُسْفِكُ الدِّمَاءَ»، اما خداوند می فرماید: «إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ».

ابوالعرفا، آیت الله العظمی ادیب می فرمود: یکی از آن مواردی که اسّ و اساس است در این که حضرت حقّ فرمود: «إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ»، همین حُسن خلقدر انسان است. اگر کسی حُسن خلق پیدا کرد، علم هم پیدا می کند. اگر حُسن خلق پیدا کرد، آن موارد دیگری هم که باید برطرف شود تا انسان به آن مقام خلیفه الهی برسد، به خودی خود برطرف می شود.

لذا بیهوده نیست که تمام انبیاء عظام، طبق فرمایش قرآن، وقتی مبعوث شدند، اول بحث تزکیه را سفارش کردند. «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ»، در تمام امم، همین گونه بوده و قبل از تعلیم کتاب و حکمت، بحث تزکیه مطرح شده است. اولین رمزگشایی برای خلیفه الله شدن، متخلق به اخلاق الهی شدن و حُسن خلق داشتن است. اگر این طور شد، انسان می تواند و إلا نمی تواند.

چه کنیم زندگی پاک و توأم با آرامش داشته باشیم؟

آن وقت ببیند حضرت چه می فرمایند؟ می فرمایند: «مَنْ حَسُنَتْ خَلِيقَتُهُ طَابَتْ عِيشَتُهُ»، هر کس اخلاقش، اخلاق حسنه شد، زندگی اش هم پاکیزه می شود. خیلی جالب است، چون برخی از زندگی ها، زندگی آلودگی ها، پلشتی ها و کثافات است که آلوده به پلیدی ها، مال های حرام و ... است. به صورت ظاهر خود آن آدم حمام هم رفته، به صورت ظاهر لباس شیک هم می پوشد، اما چشم اولیاء را می خواهد که وقتی نگاه می کنند، می بینند یک لجنزار از گناه است که بوی تعفن دارد از آن شخص و زندگی اش بیرون می زند. زندگی به ظاهر قشنگ، اما درونش، پر از گرفتاری ها، کثافات و لجنزار است.

ظاهرش، چون قبر کافر، پر حلل باطنش، قهر خدای عزّ و جلّ

اصلاً زن و مرد با هم رفیق نیستند، زن با دیگری است و او هم با دیگری است. به ظاهر زندگی است. زندگی هایی پر از لجنزار، نه زندگی ملکوتی، نه زندگی الهی.

لذا اگر کسی حُسن خلق داشت، مولی الموالی می فرماید: یکی از خصوصیاتش این است که زندگی اش هم زندگی طیب، طاهر و پاک می شود. هر کس که اخلاقش، اخلاق حسنه شد، زندگی اش، پاکیزه و گوارا می شود، «مَنْ حَسُنَتْ خَلِيقَتُهُ طَابَتْ عِيشَتُهُ».

اگر بخواهید بدانید زندگی «طابت» چیست، دو سه نکته از آن را بیان می کنم و سریع رد می شوم. چون خودش بحث دارد. یکی از موارد آن، این است که می گویند زندگی طیب، زندگی توأم با آرامش است. مانند بهاری می ماند که شما در یک باغی رفتید که پرندگان دارند می خوانند و جوی آبی است و چنان نوازش روحی بر انسان می آید که به آن عیش طیب می گویند.

البته شاید چنین کسی به صورت ظاهر هیچ چیز نداشته باشد و آن باغ را هم نداشته باشد که برود، اما چنان باهم خوش هستند که زندگی شان، خوش و الهی می شود. چنان زندگی شان، زندگی خوبان عالم می شود که از آن حال پلشتی ها و زشتی ها بیرون می آید و پاک هستند و آرامش دارند. پس اخلاق این است.

ماه رجب المرجّب، آغاز زندگی حسنه است!

از کجا شروع کنیم؟ چون چند روز به ماه رجب المرجّب مانده، یک جمله بگویم تا آماده شویم و به اصل بحثمان برویم. گرچه از اصل بحثمان که خطورات بود، فقط یک روایت می گویم و نمی رسم که بیشتر از این بیان کنیم.

راهش، تطهیر در رجب است. سبک زندگی که بیان کردیم از اخلاق شروع می شود، ماه رجب المرجّب شروع آن است. می گویند: رجب، نهری از انهار بهشت است. چون در ماه رجب، انسان خودش را از گناهان شستشو می دهد. بیایم در ماه رجب درست شویم و از گناهان شستشو کنیم، از کینه، عداوت، دشمنی، بدی، بداخلاق و ... دور شویم.

جوانان عزیز! اگر کسیموفق به شستشوی گناهان در ماه رجب المرجّب شد، خداوند در ماه شعبان المعظم به او توفیق می دهد

لباس تقوا را بپوشد، برای این که می‌خواهد به یک مهمانی برود، «دعیتم فيه إلى ضیافة الله» و آن هم ضیافت ماه مبارک رمضان!

بارها بیان کردم که اولیاء خدا تا قبل از ماه رجب المرجب برای طول عمرشان دعا نمی‌کردند، اما همین که می‌دیدند در ماه رجب المرجب ورود پیدا کردند، می‌گفتند: خدا! حالا که ما را تا ماه رجب المرجب زندگی نگاه داشتی، به ما عمر بده تا ماه مبارک رمضان را هم درک کنیم و ببینیم.

ماه مبارک رضانی که نفس نفس زدن در آن، تسبیح می‌شود «و أنفاسکم فيه تسبیح». ماه مبارک رضانی که بخوابی هم - که حالا توضیح آن را در مورد اولیاء بیان کردم - عبادت محسوب می‌شود، «نومکم فيه عبادة». ماه مبارک رضانی که شبی به نام لیلة القدر دارد که بیان شده: «لیلة القدر خیر من ألف شهر». یعنی یک شب قدر در ماه مبارک، از هزار ماه که انسان شب و روز و هر لحظه‌اش را به عبادت بپردازد، آنهم عبادت خالصانه، بهتر است. یعنی در یک شب از ماه مبارک، بیش از هشتاد سال عبادت را برای من و شما می‌نویسند. ماه مبارک رمضان چنین شبی دارد.

حالا اگر کسی می‌خواهد به این ماه مبارک ورود پیدا کند، راهش، شستشو در رجب المرجب است. مانند این است که شما را به یک مهمانی دعوت کردند. شما اول می‌روید خودتان را می‌شوئید و با بدنیکه مثلاً روغن کاری کردید و ... به مهمانی نمی‌روید. لذا اول به حمام می‌روید، لباس نو می‌پوشید و بعد به مجلس مهمانی می‌روید. خدا شما را به یک مهمانی ویژه دعوت کرده است، «دعیتم فيه إلى ضیافة الله».

ماه مبارک رمضان، ضیافت ویژه است. ما هم دعوت به این ضیافت ویژه هستیم که برای ورود به آن باید ماه رجب المرجب را دریابیم. لذا سه مطلب را حتماً در این ماه رجب المرجب دقت کنید - وجود مقدس باقرالعلوم، امام محمد باقر (ع)، نکاتی را بیان فرمودند که إن شاء الله به فضل الهی در هفته آینده بیان خواهم کرد -

۱- ولایت.

در ماه رجب المرجب باید ولایتان بیشتر باشد که حالا بیان خواهم کرد که چطوری باید این کار را کرد.

۲- جبران گذشته‌ها.

در ماه رجب المرجب اگر روزه‌های قضایی دارید، حتماً قضا کنید که هم‌ثواب روزه‌های ماه رجب المرجب را می‌برید و هم روزه‌های قضایتان را جبران می‌کنید.

۳- کمک به دیگران.

اگر دل پدر و مادر را شکستی، سریع جبران کن. چون اگر ماه رجب المرجب را از دست بدهی، بدان که شاید در شعبان المعظم هم توفیق پیدا نکنی، که در این صورت یقین بدان که در ماه مبارک رمضان وارد نشدی. البته به صورت ظاهر در ماه مبارک می‌رویم و روزه هم می‌گیریم، اما در آن ضیافت حقیقی ورود نیافتیم.

پس این مطالب را جدی بگیریم تا زندگی‌مان، حسنه شود. ماه رجب المرجب، آغاز زندگی حسنه و دور شدن از زندگی بد و پلشتی‌ها و زشتی‌هاست.

سال متخلق شدن به اخلاق الهی

پس اخلاق خیلی مهم است. تصمیم بگیریم امسال را برای خودمان سال اخلاقی قرار بدهیم. همان‌طور که امام‌المسلمین، حضرت امام خامنه‌ای، سال‌ها را نام‌گذاری می‌کنند و مثلاً امسال را سال اقتصاد مقاومتی، اقدام و عمل نامیدند، حالا ما هم برای خودمان، هر سال و به خصوص امسال را جدی تصمیم بگیریم و به نام سال متخلق شدن به اخلاق الهی قرار دهیم و خودمان را به آن، مقید بدانیم. عمل کنیم و اقدام کنیم به این که إن شاء الله متخلق شویم.

اگر این‌طور شود، چه می‌شود؟! آن وقت است که تازه معنای انسانیت را می‌فهمیم. لذت می‌بریم. تازه می‌فهمیم تا حالا شبه انسان بودیم و فقط اسم انسان را داشتیم.

بگوییم: از امسال که حالا فروردین هست و به خصوص این که داریم به رجب المرجب هم نزدیک می‌شویم، دیگر می‌خواهیم متخلق شوم. خدایا! من می‌خواهم عهد ببندم که اخلاقی شوم. ولو با بداخلاقیان برخورد کردم، من، اخلاقی باشم. چقدر عالی می‌شود انسان این‌طور شود! خیلی عجیب است! خداگواه است غوغا و محشر می‌شود! یک زندگی دیگر می‌شود! یک چیز دیگری درست می‌شود، فقط همین را می‌توانم بگویم. تازه می‌فهمد زندگی یعنی چه. لذا این‌طور عهد و پیمان ببندیم.

عاقبت زیاد فکر گناه کردن

راهش هم همین است که خطورات را مراقبت کنیم. لذا من با این روایت شروع می‌کنم و دیگر ادامه مباحث آن را برای جلسه بعد می‌گذارم. چرا ما این قدر بر روی خطورات تأکید داریم؟ چون اگر فکر را کنترل نکنیم، همه چیز از دست می‌رود. وسوسه می‌شویم، شیطان می‌آید و می‌گوییم: نکند این‌طور است، نکند آن‌طور است و یا ما را به گناه دعوت می‌کند. لذا اگر این فکرمان را کنترل نکردیم، دیگر ناخودآگاه در گناه هستیم.

امیرالمؤمنین، اسدالله الغالب، علی بن ابی طالب (ع) فرمودند: «مَنْ كَثَرَهُ فِكْرُهُ فِي الْمَعَاصِي دَعَتْهُ إِلَيْهَا»، آن کسی که فکرش، زیاد به دنبال گناه باشد، به سمت گناه دعوت می‌شود.

تا فکر گناه به ذهن انسان آمد، باید استغفرالله گفت. این مسئله در مورد هر چیزی می‌تواند باشد، نعوذ بالله اگر با دیدن تصویری فکری به ذهنش آمد، سریع استغفار کند. اگر ظن و گمان بد به برادر مؤمن یا همسایه‌ات، یا همکارت و ... داشتی، سریع استغفار کن. چرا؟

چون حضرت فرمودند: اگر کس زیاد فکر گناه می‌کند، بداند که گناهان او را به سمت خودش دعوتش می‌کنند. ناگهانی ببند که به گناه ورود پیدا کرده است. چون آن فکرها او را به سمت گناهان دعوت کرده و به آن سمت کشیده خواهد شد. وقتی انسان زیاد راجع به گناهی، فکر کرد، یک بار همی ببند که به آن، مبتلا شده؛ چون آن گناه (حالا هر گناهی می‌خواهد باشد)، او را به سمت خودش دعوت کرده است.

تشر زدن اولیاء خدا به خود!

لذا اولیاء خدا می‌گویند: انسان باید این را باور کند و تا فکر گناهی آمد، سریع استغفار کند و به خودش تشر بزند. بایکی از اولیاء خدا در حرم حضرت ثامن الحجج بودم، ایشان متوجه نشده بود که من کنار ایشان هستم، همین‌طور که در گوشه‌ای، رو به روی ضریح نشسته بود، مدام می‌گفت: آقا جان! غلط کردم! غلط کردم! غلط کردم! ... اشکم جاری شد و ایشان متوجه حضور من نشد. بعداً فرمودند: اگر یک کاری کردی، بعد از استغفار، خودت به خودت تشر بزن و مثل من بگو غلط کردم.

حالا آن کار ایشان چه بود که خود را تشر می‌زد؟ مثلاً دادی سر کسی زده که شاید برخی مواقع این دادها برای این است که او را تربیت کنند. اما بعداً پیش خودش می‌گویند: غلط کردم، من نباید داد بزنم و ... وقتی انسان، حالات اولیاء را می‌بیند و با خودش مقایسه می‌کند، می‌فهمد که این اصلاً قیاس مع الفارق است و قابل قیاس نیست.

لذا تا فکر گناه آمد، اولاً استغفار کن و بعد به خودت تشر بزن، حالا یک نمونه‌اش، مانند این ولی خدا را بیان کردم. اگر این‌طور شود، چقدر عالی است. زندگی اولیاء خدا را ببینید. بالاخره وصفاست. آن‌ها چگونه جلو رفتند و ما که دیگر عمرمان هم دارد تمام می‌شود، چه کردیم؟! چشمهم به هم می‌زنیم، سال‌ها می‌گذرد. عزیزم! تا فکر آمد، همان جا جلویش را بگیر.

این ولی خدا جمله دیگر بهم گفتند که آن را هم برای شما بیان کنم. گفتند: بعد از این که گفتی به خودت تشرزدی و گفتی: غلط کردم، غلط کردم، ...، یک جمله هم بگو: آقا جان! یا بن الحسن کن بنویسی. نکند نوشته را برای شما بیاورند و شما هم بگویید: بله، این هم از دستم رفت!

چه کنیم که فکر گناه به سراغمان نیاید!؟

اولیاء خدا از نوک پا تا فرق سر، خوبی بودند و امثال من بیچاره، از نوک پا تا فرق سر، بدی هستم. چه می‌شود؟! چه می‌بینند؟! چه می‌کنند؟! یک دلیلش هم این است که آن‌ها زیاد به فکر آقا بودند. شما هم اگر می‌خواهی زیاد فکر گناه به سراغت نیاید، زیاد به یاد امام زمان باش.

این که بیان کردم در هر ساعت حداقل یک دعای سلامتی برای آقا جان بخوانید، سبب می‌شود که انسان در حصن حصین قرار

بگیرد. کسی که دائم به یاد آقا جان باشد، خود آقا جان اجازه نمی‌دهد که فکرشبه سمت گناه برود و یک حصنی برای او ایجاد می‌شود.

عالم، عالم اثر و مؤثر است، با همین یاد حضرت، حصنی برای انسان ایجاد می‌شود که دیگر کسی جرأت جلو آمدن نخواهد داشت. وقتی به یاد حضرت هستی، وسوسه‌گری نمی‌تواند جلو بیاید که نفس دون، نفس اماره، من و تو را فریب دهد.

یاد حضرت را زنده بداریم. امسال هم هر چه می‌توانیم بیشتر به یاد آقا باشیم. از خودش هم بخواهید و ایشان راه مادرشان هم خیلی قسم دهید و برای مادرشان، نرجس خاتون زیاد فاتحه بخوانید. این‌ها، توصیه‌های جدی و نسخه است که تا می‌توانید برای مادرشان، حضرت نرجس خاتون، فاتحه بخوانید.

بگو: آقا! می‌شود، امسال من، سال مهدوی شود؟! آقا می‌شود امسال من، حال و وضع دیگری داشته باشد؟! تغییرکنم، آدم شوم، درست شوم، مدام یاد شما باشم، یاد اغیار بیرون برود. آقا جان! اولیاء خدا این‌طور بودند، می‌شوند یک روزی ما هم تپش قلبمان را بشنویم که یا مهدی‌گوید؟!

آقا جان! ماه رجب المرجب دارد می‌آید و من هیچ آماده نیستم. آقا! شما می‌توانید، یا مقلب القلوب و الابصار، یا مدبر اللیل و النهار، یا محول الحال والاحوال، حوّل حالنا الی احسن الحال، آقا جان! شما تغییر دهید، من حسن حال هم ندارم، چه برسد احسن! شما می‌توانید. عالم به ید مقدّس شماست، شما می‌توانید، پس انجام دهید و حال من را تغییر دهید.